

دلهره محض در کوهستان

مروری بر تصاویر برگزیده مسابقه ثبت ترسناک ترین لحظات از حضور افراد در جنگل، دره، صخره و ... که دیدنش، آدرنالین خون را افزایش می دهد



پرونده

دیدن بعضی تصاویر که توسط یک عکاس در بهترین زمان ممکن و از بهترین زاویه شکار شده، همان قدر دلهره آور است که حضور در آن جا ترسناک به نظر می رسد. نشستن در لبه یک پر تگاه، معلق شدن در هوا وسط یک دره، عبور از میان آتش، حضور در بالای یک کوه مرتفع و ... اتفاقاتی است که به قول مسئولان برگزاری جشنواره جهانی عکاسی از کوهستان، دیدن عکس هایش هم آدرنالین خون را به بالاترین حد ممکن می رساند و سرعت ضربان قلب را افزایش می دهد. هدف مسابقات عکاسی از کوهستان با نام (CVCEPhoto) که هر ساله در اسپانیا برگزار می شود، ثبت چنین لحظاتی برای نمایش به افرادی است که امکان حضور در چنین مکان هایی را ندارند. این مسابقات که اولین بار توسط یک باشگاه کوهنوردی در اسپانیا برگزار شد، هر ساله با استقبال بیشتری از سوی عکاس های طبیعت مواجه می شود. به گزارش گاردین و طبق اعلام داوران این جشنواره در مسابقه امسال حدود دو هزار عکس که توسط ۳۷۲ عکاس از ۵۸ کشور گرفته شده، دریافت و عکس های برتر که به تازگی اعلام شده در نمایشگاهی در سان سباستیان اسپانیا به نمایش گذاشته خواهد شد. پرونده امروز زندگی سلام، ۹ مورد از این عکس ها را به همراه توضیح کوتاهی که عکاسش در زمان ارسال اثر به جشنواره در باره آن نوشته، خواهید دید.



زیر آسمان در تاریکی مطلق

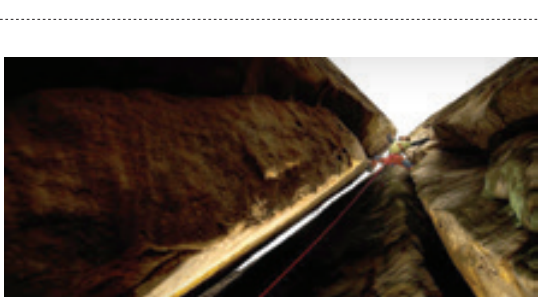
عکاس برای گرفتن این تصویر، تلاش زیادی کرده و جانش را به خطر انداخته است. او به همراه فردی که تجربه چنین کاری را داشته، به داخل این دره رفته تا این تصویر دلهره آور را ثبت کند. دیه گو کابلرو، عکاس این تصویر گفته است: «این جا مثل یک اتاق بزرگ و بسیار تاریک بود که فقط یک دهانه باریک به سمت آسمان داشت». این عکس از کوهستانی در ایتالیا گرفته شده است.

کوهنوردی در یک دره یخی

این دره یخی که دیوار هایش هر لحظه در حال آب شدن است، محل ایمنی برای صعود به نظر نمی رسد. «الکس بوئیس»، این عکس را در کوهستان مردو گلاس در فرانسه گرفته و در باره آن نوشته است: «تلاش یک مرد برای صعود از شکاف عمیقی که در یک دره یخی به دلیل گرم شدن هوا ایجاد شده است، بازی با جاننش به نظر می رسد».



وسط یک دودکش بزرگ!



«مارسین سیپیلوسکی» این عکس شگفت انگیز را در کوهستان آدروپاچ گرفته است. این کوهستان در کشور جمهوری چک قرار دارد و عکاس در باره آن نوشته: «این جای یک کوهستان غیر قابل توصیف است و من شیفته شکل های هندسی آن شدم، به خصوص این مورد که شبیه یک دودکش بزرگ است. این جا مکانی باور نکردنی پر از قله های تیز و لبه های عجیب و غریب است.»



در عمیق ترین قسمت دره زیر یک آبشار

«خوان مونثرو» این عکس خاص را از منطقه جنگلی استوریاس در اسپانیا گرفته و در توضیح آن، خیلی مختصر و کوتاه نوشته است: «ترسناک تر از این جا که در عمیق ترین قسمت دره زیر یک آبشار است، تا حالا ندیدم و احتمالا، نخواهم دید.»

بالارفتن از دیوار مرگ

این عکس که از دلهره آورترین تصاویر شرکت کننده در این جشنواره است، توسط لاچلان گاردینر ماندگار شده است. این عکاس در باره عکس جالبش نوشته است: «این جا جزیره برونی در استرالیاست. فردی را می بینیم که فقط با یک طناب از او محافظت می شود از تماشای آن چه در زیر پاهایش قرار دارد، ترسی در چهره و رفتار هایش دیده نمی شود.»

عبور از دل آتش

گرم شدن زمین باعث شده تا تعداد آتش سوزی ها در طبیعت نسبت به گذشته، بیشتر و هر روز خبرهایی در این باره منتشر شود و به گوش مردم جهان برسد. این عکس توسط خوزه آلدنه از آتش سوزی در یکی از کوهستان های اسپانیا گرفته شده و او در همین باره نوشته: «بعد از این که صدای یک موتور سوار را شنیدم، دور بینم را برای ثبت این لحظه آماده کردم. فقط امیدوار بودم که موتور سوار از دل آتش، سرش را بدزد و گر نه معلوم نیست چه بلایی سرش می آمد.»



استراحت مرگبار بین ۲ صخره

«خاویر اوریون» این عکس را در پارک ملی اسپانیا گرفته است، جایی که به داشتن صخره های متعدد و خاص مشهور است. این عکاس در این باره نوشته است: «در این عکس، فردی را می بینیم که بدون رعایت نکات ایمنی، بین دو صخره به استراحتی مرگبار مشغول است. او به من می گوید هر وقت به این جایباید، همین کار را انجام می دهد و از این کار، لذت می برد.»



برخورد کوهنورد با یخ

«این عکس در شب و در دمای ۱۴- درجه سانتی گراد گرفته شده است. من با ثبت این تصویر می خواستم نشان دهم اگر یک کوهنورد هنگام افتادن در حالی که فقط از یک طناب برای نجاتند کمک می گیرد، به یخ برخورد کند، چه اتفاقی می افتد؟ امیدوارم تصویر گویای همه چیز باشد، این توضیحات را «رابنر ادر» عکاس این تصویر نوشته که از کوهستان های اتریش گرفته است.



ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

چهارشنبه ۲ تیر ۱۴۰۰

۱۲ دی القعدہ ۱۴۴۲ • ۲۲ ژوئن ۲۰۲۱

شماره ۲۰۶۹۱

۱۹۱۱

از فقر تا ساخت بیمارستان به یاد پدر

کارهای خیرخواهانه «سادو مانه»، ستاره باشگاه لیورپول پس از ساخت یک مرکز درمانی در روستای محروم محل زادگاهش خبر ساز شد

محمدعلی محمدپور | روزنامه نگار



خبر ساخت بیمارستانی کوچک در یکی از روستاهای کشور سنگال ظاهرا نباید خبر برجسته ای باشد اما اگر این روستا، بمبلی باشد و نام سادیومانه فوتبالیست مسلمان و مشهور باشگاه لیورپول روی بنری که به دیوار ساختمان بیمارستان نصب شده به چشم بخورد، همه چیز متفاوت می شود. مانه ستاره سنگالی این روزهای دنیای فوتبال با کمک ۶۰۰ هزار یورویی، در ساخت این بیمارستان در روستای زادگاهش همکاری داشته است. پسر فقیر و معمولی سال های گذشته بمبلی که به دنبال رویاها پیش دویده و امروز آن را با تمام وجود در آغوش گرفته است.

شوت کردن گریپ فروت برای فوتبالیست شدن!

به دنیا آمدن در روستای محرومی که ۴۰۰ کیلومتر با داکار، پایتخت سنگال فاصله دارد، به اندازه کافی راه ایک فوتبالیست کوچک را برای رسیدن به رویاهایش دشوار می کند اما از دست دادن پدر در هفت سالگی، موضوع را از آن هم پیچیده تر می کند. سادیوی کوچک از همان بچگی عاشق فوتبال بود. خانواده اش می گویند سنگ و گریپ فروت و هر چه را که می دید، شوت می کرد. شغل اغلب مردم روستای مانه کشاورزی است. خودش می گوید گاهی که توپ فوتبال پیدانمی کردند، همراه بچه محل هایش با یک گریپ فروت که از درخت های چیدند، در زمین خاکی فوتبال بازی می کردند. در ۱۰ سالگی باتلویزیون سیاه و سفید، بازی های نیم ملی سنگال در جام جهانی ۲۰۰۴ را که تا یک چهارم نهایی رسید، تماشا می کرد و الهامی دیوف الگوی فوتبالی و منبع الهامش می شود. سادیو هفت ساله بود که یک روز دوستش به او خبر می دهد: «هی سادیو! بابت مُرد» پدر سادیو به علت نداشتن امکانات درمانی به یکی از روستاهای اطراف برده می شود و استفاده از درمان های سنتی با گیاهان جواب نمی دهد و به علت یک مشکل گوارشی جان خودش را از دست می دهد. این موضوع اثر بسیار بزرگی بر زندگی مانه می گذارد. حالا او خودش را از رویاهایش دورتر می بیند.

فرار به داکار، رسیدن به لیورپول

مادر مانه رویای فوتبالیست شدن او را تنها یک رویای بلندپروازانه بدون در نظر گرفتن واقعیت موجود می بیند اما مانه مصمم است روزی رویایش را در آغوش بگیرد. مانه در تیم کوچک روستایشان که سرپرستی اش را عمویش بر عهده داشته فوتبال بازی می کند. او که استعداد بالایی در خود می بیند یک بار تصمیم می گیرد از خانه فرار کند و به داکار برود. او در یک آکادمی در داکار پذیرفته می شود اما خانواده اش او را پیدا می کنند و برمی گردانند. یک سال بعد این بار مصمم تر بالاخره موفق می شود خانواده اش را راضی کند و دوباره به آکادمی فوتبالی در داکار برود. استعداد بالایی مانه از چشم آقای اولیور برین استعدادیاب فرانسوی پنهان نمی ماند و او برای اولین بار پرواز را تجربه می کند. پایش به اروپا باز می شود و به متر فرانسه می رود. بازی کردن در متر فرانسه با درخشش او، گلزنی هایش و سریع دویدن هایش همراه می شود. مربی اش در متر از او به عنوان «پسر دیوانه» یاد می کند. پسری که دیوانه فوتبال بود. همزمان موفق می شود در تیم المپیک سنگال بازی کند، چیزی که موجب افتخار خانواده اش به او می شود اما یک مصدومیت جدی، هشت ماهه او را از فوتبال دور نگه می دارد. مصدومیتی که می توانست نشانه پایان فوتبال او باشد اما پسر دیوانه بر می گردد و دوباره در دروازه های بیشتری رافتح می کند. مقصد بعدی سادیو، سالزبورگ اتریش است. دو فصل درخشش در این باشگاه اتریشی پای سادیو را به لیگ جزیره باز می کند. او به باشگاه ساوت همپتون می پیوندد و در فصل ۲۰۱۴-۲۰۱۵ در جریان برد ۶-۱ ساوت همپتون مقابل استون ویلا سه گل در فاصله ۱۷۶ ثانیه می زند و نام خودش را به عنوان سریع ترین هت تریک کننده در لیگ برتر جزیره ثبت می کند. سال ۲۰۱۶ پا به لیورپول می گذارد و شاگرد دیویر گن کلوپ می شود. ۲۰۱۷-۲۰۱۸ همراه لیورپول نایب قهرمان لیگ قهرمانان اروپا می شود. فصل بعد قهرمانی لیگ قهرمانان را کسب می کند و ۲۰۱۹-۲۰۲۰ قهرمانی لیگ جزیره را همراه لیورپول به ویتترین افتخار آتش می افزاید.

ساخت مدرسه، بیمارستان و مسجد

سادیومانه که امروز یک ستاره مشهور دنیای فوتبال است، با انجام دادن اعمال خیرخواهانه نام نیکی هم از خودش در بین مردم به جا گذاشته است. انتشار یک ویدئوی مخفیانه که او را مشغول تمیز کردن سرویس بهداشتی یک مسجد در لیورپول نشان می داد؛ بسیار تأثیر گذار بود. در ایام کرونا و نامه یک جوان مبتلا به سندروم داون را که در ایرلند زندگی می کرد، پاسخ داد و از ویش را برآورده کرد. او را برای باز دید به آنفیلد دعوت کرد و همچنین در یکی از گلزنی هایش، شادی گلش را به او تقدیم کرد. مانه اما هرگز روستای زادگاهش را فراموش نکرده است. سادیوی مسلمان که پدرش امام جماعت محل شان بوده یک مسجد در روستایشان می سازد. او سپس در ساخت یک مدرسه مشارکت می کند. مانه حالا ۶۰۰ هزار یورو را که معادل یک دهم درآمد سالانه اش در لیورپول می شود، برای ساخت یک بیمارستان هزینه کرده است تا دیگر هیچ فردی از اهالی روستایشان مانند پدر خودش به دلیل نبود امکانات درمانی جانش را از دست ندهد.

